



دیگر فوت نکنید

اگر همان‌طور که گفتیم، شهر مثل یک بادکنک باشد که گروهی هی فوتش می‌کنند و بادش می‌کنند، دیگر وقتش رسیده که به آن‌ها بگوییم دیگر فوت نکنید. بس است. اما چه جوری می‌توانیم این کار را بکنیم؟ افراد زیادی وجود دارند که عاشق طبیعت و محیط زیست هستند. آن‌ها وکیل کوه و جنگل و طبیعت‌اند. از طرف‌شان حرف می‌زنند و از حق‌شان دفاع می‌کنند. خوب کوه و جنگل و بیابان که نمی‌توانند راه بیفتند و به این اداره و آن اداره بروند و حرف بزنند و از حق‌شان دفاع کنند. تازه اگر هم بتوانند و بروند، شاید کسی زبان‌شان را بلد نباشد و حرف‌شان را نفهمد.

اما وکیلان محیط زیست زبان آن‌ها را خوب بلدند. حرف‌شان را می‌فهمند و غصه‌ها و نگرانی‌های‌شان را می‌دانند. برای همین تمام تلاش‌شان را می‌کنند و یکسره فریاد می‌زنند تا از آن‌ها دفاع کنند.

کنار هم

اگر ما هم دوست داریم جلوی بزرگ‌تر شدن شهرها و خراب شدن جنگل و کوه و صحراها را بگیریم، باید همراه آن‌ها فریاد بزنیم. به‌خصوص این هفته که یک روزش به نام روز شهرسازی نام‌گذاری شده است. حتماً می‌پرسید چی بگوییم؟ خوب قبلاً که گفتیم. بگویید دیگر فوت نکنید. دست از باد کردن شهرها بردارید.

شهر و کوه و جنگل و دشت همه کنار هم قشگ‌اند. هم قشنگ‌اند و هم لازم‌اند. اگر درختی نباشد، هوای شهرها آلوده و آلوده‌تر می‌شود. اگر روستایی نباشد، خبری از محصولات کشاورزی نیست. اگر کوهی نباشد، دیگر جایی نداریم که رویش بنشینیم و از دور شهر قشنگ‌مان را نگاه کنیم و... پس بهتر است مواظب همه‌ی‌شان باشیم. هم شهرمان و هم کوه و دشت و صحرا و جنگل....

قاصدک

شماره ۶۵
۱۱۴ آبان

۹

اتفاق ویژه